گزارش

همایش معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در زنجیره‌های مزیت‌دار فارس

روایت عزم و عمل‌گرایی در شرایط فشار اقتصادی



همایش «معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در حوزه زنجیره‌های مزیت‌دار استان فارس» با مدیریت معاونت هماهنگی امور اقتصادی استانداری فارس و به همت اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان فارس و اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان فارس و با اجرای شرکت مشاوره مدیریت پاد، هم‌زمان با شیراز اکسپو ۱۴۰۵، روز ۲۱ مهرماه در شیراز برگزار می‌شود. این همایش با هدف معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان فارس و ایجاد ارتباط مؤثر میان سرمایه‌گذاران، صاحبان پروژه و مجموعه‌های تصمیم‌گیر برگزار می‌شود؛ رویدادی که در شرایط فشار اقتصادی، تلاش دارد از معرفی صرف ظرفیت‌ها عبور کرده و آنها را به فرصت‌های مشخص، قابل بررسی و قابل پیگیری برای سرمایه‌گذاری تبدیل کند. فارس از ظرفیت‌های متنوعی در حوزه‌های کشاورزی و صنایع غذایی، صنعت، معدن، فناوری، انرژی و گردشگری برخوردار است. در این میان، شناسایی زنجیره‌های دارای مزیت و تمرکز بر تکمیل حلقه‌های آنها، می‌تواند مسیر ورود سرمایه به بخش‌های مولد و دارای ظرفیت خلق ارزش افزوده را هموار کند. در این چارچوب، پنج حوزه صنایع تبدیلی کشاورزی و صنایع غذایی، صنایع الکترونیک و فناوری، معدن و صنایع معدنی، میراث فرهنگی و گردشگری و نفت، گاز، پتروشیمی و صنایع پایین‌دست به عنوان محورهای اصلی فرصت‌های سرمایه‌گذاری این همایش مورد توجه قرار گرفته‌اند. مسعود گودرزی، معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری فارس، سرمایه‌گذاری را یکی از الزامات اصلی توسعه اقتصادی استان می‌داند و بر ضرورت شناسایی ظرفیت‌ها و حرکت به سمت زنجیره‌های ارزش تأکید دارد. او با اشاره به شرایط فشار اقتصادی و ضرورت تقویت اقتصاد استان، معتقد است در چنین شرایطی بیش از گذشته باید برای فعال‌سازی ظرفیت‌های موجود و ایجاد بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری و تولید تلاش کرد. کریم مجرب، مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان فارس نیز بر اهمیت تکمیل زنجیره‌های تولید و هدایت سرمایه به سمت بخش‌های دارای مزیت تأکید دارد. به گفته او، در شرایط جنگ اقتصادی باید بیش از همیشه پای کار تولید و سرمایه‌گذاری بود و هدف از چنین رویدادی صرفا معرفی ظرفیت‌های استان نیست، بلکه باید زمینه برای شکل‌گیری فرصت‌های واقعی سرمایه‌گذاری، توسعه تولید، تکمیل زنجیره‌های ارزش و افزایش ارزش افزوده در داخل استان فراهم شود. سعید تقی‌زاده، مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان فارس، تسهیل فرایند سرمایه‌گذاری و معرفی دقیق فرصت‌ها را از الزامات جذب سرمایه می‌داند. از نگاه او، سرمایه‌گذار برای تصمیم‌گیری به اطلاعات شفاف، فرصت‌های مشخص و شناخت مسیر اجرای پروژه نیاز دارد و معرفی دقیق این فرصت‌ها می‌تواند فاصله میان سرمایه و پروژه را کاهش دهد. ایمان سیدیان، مدیرعامل شرکت مشاوره مدیریت پاد نیز هدف همایش را ایجاد ارتباط مؤثر میان سرمایه‌گذاران و فرصت‌های واقعی استان عنوان می‌کند؛ ارتباطی که بتواند از معرفی ظرفیت‌ها فراتر رفته و به گفت‌وگو، بررسی پروژه و در نهایت تصمیم سرمایه‌گذاری منجر شود. برگزاری این همایش در شرایطی که اقتصاد با فشارهای درخور توجهی مواجه است، خود نشانه‌ای از رویکرد استان برای متوقف‌نکردن مسیر توسعه و سرمایه‌گذاری است؛ چراکه در چنین شرایطی، بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد ظرفیت‌های اقتصادی شناسایی و فعال شوند و دستگاه‌های اجرائی و بخش خصوصی با جدیت بیشتری برای حفظ جریان سرمایه‌گذاری و تولید پای کار باشند. این رویکرد به معنای انتظار برای تغییر شرایط نیست، بلکه تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های موجود، تعریف فرصت‌های مشخص و ایجاد مسیرهای عملی برای ورود سرمایه است. همایش «معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در حوزه زنجیره‌های مزیت‌دار استان فارس» در کنار شیراز اکسپو ۱۴۰۵، تلاشی برای ایجاد پیوندی عملی میان ظرفیت‌های اقتصادی فارس، دستگاه‌های اجرائی، صاحبان پروژه و سرمایه بخش خصوصی است؛ پیوندی که می‌تواند زمینه را برای تکمیل زنجیره‌های ارزش، توسعه تولید و خلق ارزش افزوده بیشتر در استان فارس فراهم کند.

«تأخیر»

ادامه از صفحه اول

ما از گذر روزگار شکایت می‌کنیم، اما کمتر از غفلت خویش می‌پرسیم؛ از رفتن لحظه‌ها می‌نالیم، اما کمتر حساب فرصت‌هایی را می‌رسیم که در ازدحام روزمرگی، بی‌صدا از دست داده‌ایم. ساعت را مقصر می‌دانیم، حال آنکه ساعت فقط می‌گذرد؛ این ماییم که گاه نمی‌بینیم، گاه نمی‌فهمیم، گاه نمی‌خواهیم و گاه، با همه دانستن، هیچ نمی‌کنیم. و چه تلخ است دانستن بی‌عمل؛ دیدن بی‌اعتنا؛ فهمیدن بی‌تصمیم؛ و تصمیمی که در حصار تعلل، هرگز به میدان اقدام راه نمی‌یابد.

تأخیر در نگاه؛ آفت دیدن و محرومیت فهمیدن

نخستین تأخیر، آنجا آغاز می‌شود که چشم می‌بیند اما نگاه درمی‌ماند؛ واقعیت حاضر است، اما حقیقت غایب؛ نشانه‌ها آشکارند، اما اراده پذیرش، گرفتار انکار است. دیدن، کار چشم است و دریافتن، کار جان؛ چشم، صورت را می‌بیند و بصیرت، سیرت را؛ نگاه سطحی به آنچه هست بسنده می‌کند، اما نگاه عمیق در پی آن چیزی است که هست و نباید باشد، یا نیست و باید باشد. چه بسیار فرایندهایی که پیش از وقوع، نشانه بودند؛ چه بسیار شکست‌هایی که پیش از فرودآمدن، هشدار داده بودند؛ و چه بسیار گره‌هایی که اگر بهنگام دیده می‌شدند، با سرانگشتی گشوده می‌شدند و امروز، به کلاف‌هایی سردرگم بدل نمی‌شدند. گاه مسئله آن نیست که حقیقت را نمی‌دانیم؛ مسئله آن است که دانستن حقیقت، ما را به مسئولیتی فرامی‌خواند که پذیرفتنش آسان نیست. پس چشم بر واقعیت می‌بندیم، نام انکار را مصلحت می‌گذاریم، غفلت را در جامه آرامش می‌پوشانیم و از کنار آنچه باید ببینیم، چنان می‌گذریم که گویی ندیدن، می‌تواند واقعیت را از میان بردارد. اما حقیقت، با ندیدن ما ناپدید نمی‌شود؛ همان‌گونه که زخم، با بستن چشم التیام نمی‌یابد و بحران، با خاموش‌کردن صدای هشدار پایان نمی‌پذیرد. گاه آنچه دیر آشکار می‌شود، حقیقت نیست؛ شهامت پذیرفتن حقیقت است.

تأخیر در اندیشه؛ آنجا که ذهن می‌داند و خرد درمی‌ماند

پس از تأخیر در نگاه، نوبت به تأخیر در اندیشه می‌رسد؛ جایی که واقعیت دیده شده، مسئله شناخته شده و نشانه‌ها کنار یکدیگر نشسته‌اند، اما ذهن هنوز در گرداب عادت گرفتار است. اندیشه اگر به شناخت نینجامد، سرگردانی است؛ شناخت اگر به تشخیص نرسد، انباشت اطلاعات است؛ و تشخیص اگر راهی به تصمیم نگشاید، دانشی است که در آستانه عمل متوقف مانده است. روزگار ما بیش از آنکه از کمبود اطلاعات رنج ببرد، گاه از کمبود فهم عمیق آسیب می‌بیند. داده‌ها فراوان‌اند، اما دریافت‌ها پراکنده؛ سخن‌ها بسیارند، اما شنیدن‌ها اندک؛ تحلیل‌ها پی‌درپی منتشر می‌شوند، اما گاه مسئله همان است که بود و پاسخ همان که باید سال‌ها پیش داده می‌شد. در چنین روزگاری، تأخیر در اندیشه فقط دیر فهمیدن نیست؛ گاه ناتوانی از رهاشدن از فهم‌های کهنه است. جهان تغییر کرده، اما نگاه همچنان در گذشته مانده؛ مسئله دگرگون شده، اما پاسخ از انبار عادت بیرون می‌آید؛ و نیازهای تازه، در برابر اندیشه‌هایی قرار می‌گیرند که هنوز با پرسش‌های دیروز سرگرم هستند. جامعه‌ای که دیر می‌اندیشد، الزاما جامعه‌ای کم‌دانش نیست؛ چه‌بسا دانسته‌های فراوان داشته باشد، اما در تبدیل دانایی به بینش و بینش به کنش، درنگی فرساینده کند. چه بسیار استعدادهایی که در حصار پیش‌داوری محصور مانده‌اند؛ چه بسیار اندیشه‌هایی که پیش از شنیده‌شدن، به حاشیه رانده شده‌اند؛ و چه بسیار توانایی‌هایی که نه به سبب فقدان شایستگی، بلکه در سایه عادت‌های دیرپا و معیارهای ناعادلانه، مجال ظهور نیافته‌اند. گاه جامعه نه از کمبود توانایی، بلکه از تنگی میدان انتخاب رنج می‌برد؛ نه از فقدان اندیشه، بلکه از ناتوانی در شنیدن اندیشه‌های متفاوت؛ و نه از نبود شایستگی، بلکه از تأخیر در شناخت و به‌رسمیت‌شناختن آن. هیچ جامعه‌ای از آنچه نمی‌داند، به اندازه آنچه می‌تواند بداند و نمی‌خواهد ببیند، آسیب نمی‌بیند.

تأخیر در تصمیم؛ وقتی فردا بهای امروز را می‌پردازد

و اما تأخیر در تصمیم؛ آن نقطه‌ای که تردید، جامه احتیاط می‌پوشد، تعلل، نقاب دوراندیشی بر چهره می‌زند و مسئولیت، آرام‌آرام به قلمرو فردا رانده می‌شود. بی‌گمان، شتاب‌زدگی فضیلت نیست و هر تصمیمی را نمی‌توان بی‌تأمل گرفت. خرد، درنگ را می‌شناسد و تدبیر، سنجش را ضروری می‌داند. اما میان تأمل و تعلل، فاصله‌ای است به باریکی لحظه و به سنگینی سرنوشت؛ یکی مقدمه انتخاب است و دیگری پناهگاه گریز از انتخاب. تأمل، پیش از تصمیم می‌ایستد تا راه را ببیند؛ تعلل، پس از شناخت راه می‌ایستد تا مسئولیت رفتن را نپذیرد. چه بسیار کسانی که در انتظار شرایط کامل ماندند و فرصت‌های ناکامل اما ارزشمند را از دست دادند؛ چه بسیار مدیرانی که تصمیم دشوار را چنان به تأخیر انداختند که مسئله‌ای کوچک، به بحرانی بزرگ بدل شد؛ و چه بسیار اصلاحاتی که در زمان مناسب ممکن بودند، اما در گذر وعده‌ها، هزینه‌هایی چندبرابر بر دوش جامعه گذاشتند. زندگی همیشه در انتظار اطمینان کامل نمی‌ماند. گاه باید اندیشید و برخاست؛ سنجید و انتخاب کرد؛ خطر را شناخت و مسئولانه گام برداشت. زیرا در بسیاری از بزنگاه‌ها، هزینه تصمیم‌نگرفتن، از هزینه تصمیمی سنجیده اما نه‌چندان کامل، سنگین‌تر است. در عرصه مدیریت و حکمرانی، تأخیر تنها کاستی در زمان‌بندی نیست؛ گاه نوعی انتقال خاموش هزینه از امروز به فرداست. آنکه امروز تصمیم نمی‌گیرد، لزوما هزینه تصمیم‌نگرفتن را خود نمی‌پردازد؛ گاه مردم‌اند که بهای تعلل را می‌پردازند، نسل‌های بعدند که بار امروز را بر دوش می‌کشند و فرصت‌های عمومی‌اند که در سکوت بی‌تصمیمی، فرسوده می‌شوند. مسئله‌ای که امروز با تدبیر حل می‌شود، ممکن است فردا با صرف منابعی چندبرابر نیز به‌سادگی مهار نشود. خطایی که امروز پذیرفته می‌شود، می‌تواند سرچشمه اصلاح باشد؛ اما همان خطا، اگر در حصار توجیه و انکار بماند، ممکن است به رویه‌ای نادرست بدل شود. ازاین‌رو در سنجش کارآمدی مدیران و نهادها، فقط نباید پرسید چه تصمیمی گرفته‌اند؛ باید پرسید چه تصمیمی را، با وجود ضرورت و امکان، نگرفته‌اند؛ چه فرصتی را از دست داده‌اند؛ و چه هزینه‌ای را به سبب درنگ بی‌حاصل، بر جامعه تحمیل کرده‌اند. گاه تصمیم دیرهنگام، چیزی جز پذیرش پرهزینه حقیقتی نیست که می‌شد زودتر شناخت و آسان‌تر اصلاح کرد.

تأخیر در عدالت؛ فاصله میان حق و رسیدن به حق

عدالت نیز از تأخیر آسیب می‌بیند؛ چه‌بسا حقی به رسمیت شناخته شود، اما رسیدن به آن چنان طولانی شود که صاحب حق، در مسیر مطالبه، بخشی از توان، آرامش و امید خویش را از دست بدهد. عدالت فقط صدور حکم درست نیست؛ بهنگام رسیدن حق به صاحب حق نیز هست. حقیقتی که دیر شنیده شود، رنجی که دیر دیده شود و حقی که پس از فرسودگی صاحبش ادا شود، اگرچه ممکن است سرانجام به مقصد برسند، از هزینه‌ای که تأخیر بر دوش انسان گذاشته است، نمی‌کاهند. گاه تأخیر در رسیدگی، خود به بخشی از رنج تبدیل می‌شود؛ گاه طولانی‌شدن انتظار، اعتماد را فرسوده می‌کند؛ و گاه آن‌قدر میان وقوع بی‌عدالتی و جبران آن فاصله می‌افتد که ترمیم پیامدها، دشوارتر از اصل اصلاح می‌شود. ازاین‌رو، عدالت کارآمد، هم به درستی نیاز دارد و هم به زمان‌شناسی؛ هم به تشخیص حق و هم به اراده‌ای که اجازه ندهد حق، در راهروهای بی‌پایان انتظار سرگردان بماند. عدالت هنگامی کامل‌تر می‌شود که فرصت‌ها نیز عادلانه توزیع شوند؛ هنگامی که شایستگی، قربانی پیش‌داوری نشود؛ هنگامی که معیارها برای همگان روشن و امکان پیشرفت، از انحصار عادت‌ها و امتیازهای به‌ارث‌رسیده خارج شود. زیرا جامعه‌ای که در شناخت استعدادها تأخیر می‌کند، در بهره‌برداری از ظرفیت‌های خود نیز عقب می‌ماند؛ جامعه‌ای که در گشودن میدان برای اندیشه‌های تازه درنگ می‌کند، ناخواسته به تکرار پاسخ‌های کهنه تن می‌دهد؛ و جامعه‌ای که فرصت را نابرابر تقسیم می‌کند، نباید از نابرابری در نتیجه شگفت‌زده شود. گاه بی‌عدالتی، تنها دری نیست که بسته می‌شود؛ فرصتی است که آن‌قدر دیر گشوده می‌شود که دیگر نمی‌توان همه آنچه را از دست رفته است، بازگرداند.

تأخیر در مسئولیت؛ هنر پنهان‌شدن پشت واژه‌ها

در این میان، شاید خطرناک‌ترین تأخیر، تأخیر در پذیرفتن مسئولیت باشد؛ همان‌جا که مسئله روشن است، پیامدها آشکارند و ضرورت اصلاح انکارناپذیر، اما هرکس می‌کوشد سهم خویش را در پیدایش مشکل کوچک‌تر نشان دهد و بار حل‌کردن آن را بر دوش دیگری بگذارد. در چنین وضعی، کلمات فراوان می‌شوند، اما اقدام اندک؛ وعده‌ها تکرار می‌شوند، اما نتیجه‌ها تغییر نمی‌کنند؛ جلسه‌ها برگزار می‌شوند، اما مسئله‌ها برجای می‌مانند؛ و هر فرد، برای توضیح آنچه انجام نشده است، دلیلی تازه می‌آورد. مسئولیت‌پذیری از جایی آغاز می‌شود که توجیه پایان می‌یابد؛ آنجاکه انسان، به‌جای پرسیدن اینکه چرا دیگران کاری نکردند، از خود می‌پرسد چه کاری از من برمی‌آمد و چرا آن را انجام ندادم. البته هر تأخیری نشانه بی‌مسئولیتی نیست. گاه کمبود منابع، پیچیدگی مسائل، نبود اطلاعات کافی یا موانع بیرون از اختیار، اقدام را دشوار می‌کنند. با این حال، میان تأخیر ناگزیر و تعلل قابل پیشگیری باید فرق گذاشت؛ همان‌گونه که میان احتیاط مسئولانه و هراس پنهان، میان تدبیر و تعویق و میان انتظار معقول و گریز از پاسخ‌گویی، فاصله‌ای روشن وجود دارد. نقد تأخیر، هنگامی به اصلاح می‌انجامد که علت‌ها را بشناسد، مسئولیت‌ها را روشن کند و راه اقدام را بگشاید؛ نه آنکه همه چیز را به شتابی کور فرابخواند یا هر درنگی را نشانه ناتوانی بداند.

تأخیر؛ وقتی فرصت به حسرت بدل می‌شود

زمان تنها چیزی است که بی‌آنکه صدایی برآورد، از دارایی ما می‌کاهد. نه هشدار می‌دهد، نه اجازه می‌گیرد و نه برای بازگشت آنچه گذشته است، تضمینی می‌سپارد. بسیاری از دارایی‌های ازدست‌رفته را می‌توان دوباره به دست آورد، بسیاری از خطاها را می‌توان اصلاح کرد و بسیاری از زخم‌ها را می‌توان التیام بخشید. اما برخی فرصت‌ها، با گذشت لحظه، صورت دیگری می‌یابند؛ برخی سخنان اگر به‌موقع گفته نشوند، دیگر همان اثر را ندارند؛ برخی عذرخواهی‌ها، اگر دیر از راه برسند، دیگر به‌سادگی اعتماد نمی‌آفرینند؛ و برخی تصمیم‌ها، اگر در زمان خود گرفته نشوند، دیگر چیزی را نجات نمی‌دهند. تأخیر، گاه فاصله میان امروز و فرداست؛ ولی گاه فاصله میان یک امکان و یک حسرت است. در زندگی فردی ممکن است به سبب تعلل، فرصتی شغلی از دست برود، رابطه‌ای آسیب ببیند یا استعدادی در غبار روزمرگی خاموش شود. در زندگی اجتماعی، ممکن است مسئله‌ای حل‌نشده به بحرانی فراگیر بدل شود، نابرابری‌ای که می‌شد کاهش داد، ریشه‌دارتر شود و اعتمادی که می‌شد حفظ کرد، در پی وعده‌های بی‌سرانجام فرسوده شود. گاه آنچه از دست می‌رود، فقط یک فرصت نیست؛ امکان تجربه‌کردن، آموختن، اثرگذاشتن و ساختن است. هر استعدادی که نادیده می‌ماند، می‌تواند اندیشه‌ای باشد که شنیده نشده؛ هر صدایی که به حاشیه رانده می‌شود، می‌تواند هشداری باشد که جدی گرفته نشده است؛ و هر دری که دیر گشوده می‌شود، می‌تواند سال‌هایی را پشت خود پنهان کرده باشد که دیگر بازنمی‌گردند. در هر دو عرصه، پرسش بنیادین یکی است: چه چیزی را می‌دانستیم، چه کاری از دستمان برمی‌آمد و چرا آن را به‌موقع انجام ندادیم؟ این پرسش، نه برای ماندن در حسرت گذشته، بلکه برای جلوگیری از تکرار آن است؛ زیرا گذشته را نمی‌توان بازگرداند، اما می‌توان از آن آموخت؛ فرصت ازدست‌رفته را نمی‌توان همیشه احیا کرد، اما می‌توان فرصت پیش‌رو را جدی گرفت؛ و خطای دیروز را نمی‌توان از تاریخ پاک کرد، اما می‌توان مانع شد به عادت فردا تبدیل شود.

و سرانجام؛ پیش از آنکه دیر شود

اکنون، در روزگاری که همه از سرعت سخن می‌گویند، شاید بیش از هر زمان دیگری به فهم درست زمان نیازمندیم؛ به اینکه بدانیم کجا باید شتاب کرد و کجا درنگ؛ کجا باید بیشتر اندیشید و کجا دیگر فرصت اندیشیدن بی‌پایان باقی نمانده است. باید بیاموزیم سرعت، به‌تنهایی فضیلت نیست؛ همان‌گونه که درنگ، به‌خودی‌خود عیب نیست. فضیلت آن است که زمان درست هر کار را بشناسیم، حقیقت را پیش از آنکه به بحران بدل شود ببینیم، مسئله را پیش از آنکه ریشه بدواند بفهمیم، تصمیم را پیش از آنکه فرصت بگریزد بگیریم و مسئولیت را پیش از آنکه هزینه‌اش بر دوش دیگران بیفتد بپذیریم. باید از خود بپرسیم چه حقیقت‌هایی را دیر دیده‌ایم؟ کدام تصمیم‌ها را به فردا سپرده‌ایم؟ کدام استعدادها را در حصار پیش‌داوری محصور کرده‌ایم؟ چه فرصت‌هایی را به سبب عادت، ترس یا تنگ‌نظری از دست داده‌ایم؟ کدام بی‌عدالتی‌ها را به امید اصلاحی نامعلوم تحمل کرده‌ایم؟ و کدام مسئولیت‌ها را چنان به تأخیر انداخته‌ایم که امروز بهای سنگین آنها را می‌پردازیم؟

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

یادداشت

دیپلماسی عمومی در خدمت جنگ‌افروزی

ادامه از صفحه اول

او تلاش می‌کند بگوید اینک این آمریکاست که دست انتقام تاریخ است: «دو قرن و نیم پس از تأسیس جمهوری آمریکا... در اینجا ایستاده‌ام تا بر دینی گواهی دهم که نه گذشت زمان و نه فاصله مکانی هرگز نمی‌تواند آن را از میان ببرد. تاریخ آمریکا، تاریخ کشور من، پوشیده از اثر انگشت دوران باستان است». سپس علم و مذهب را در هم می‌آمیزد و انگاره‌ای قدیمی در میان مسیحیان را به میان می‌کشد. آنان بر این باور بودند که خداوند ارسطو را فرستاد تا زمینه‌های فکری ظهور مسیح را فراهم کند. اینک روبیو همان انگاره قدیمی را بازنمایی می‌کند: «این بنیان ذهن غربی بود: ریاضیات، علم و پزشکی ما؛ فلسفه، اخلاق و دین ما. این بنیان، راه را هموار کرد تا انجیل عیسی مسیح در اروپا خاکی حاصلخیز بیابد و در قالب امپراتوری جهان مسیحیت شکوفا شود. این امر بنیان غنای الهیات مسیحی، آثار آگوستین و آکویناس و تمام سنت حقوق طبیعی بود». او سپس به نقد امروز غرب می‌پردازد: «امروز بخش بزرگی از غرب این ویژگی را فراموش کرده است... واژه «ملی‌گرایی» به واژه‌ای ناپسند تبدیل شد. بنابراین، بناهای یادبودمان را پایین کشیدیم و تاریخ خود را محکوم کردیم. در بسیاری از مناطق، به فرزندان‌مان آموختیم از کشورهایی که به ارث خواهند برد، شرمنده باشند. در این فرایند، مرزهای خود را گشودیم، صنایع‌مان را به خارج منتقل کردیم و اجازه دادیم نیروهای نظامی‌مان تحلیل بروند و فرسوده شوند. دیگر باور نداشتیم شایسته عظمت خود بوده‌ایم و آن را به دست آورده‌ایم». روبیو با این زمینه‌سازی، ترامپ را وارث این تمدن معرفی می‌کند: «ایالات متحده تحت ریاست‌جمهوری پرزیدنت ترامپ انتخاب خود را انجام داده است. ما پیگیری بی‌عذرخواهانه قدرت ملی را برگزیده‌ایم؛ بازپس‌گیری کنترل زنجیره‌های تأمین حیاتی، بازسازی توان دفاعی و مبارزه برای تسلط بر فناوری‌ها و صنایع آینده». فراز بعدی سخنان روبیو از حیث دعوت از اروپا آشکارتر است: «ما معتقدیم اروپا می‌تواند از خواب طولانی خود بیدار شود و آتشی را که هزاران سال پیش در اینجا روشن شد، دوباره شعله‌ور کند». او یونان را پیشتاز می‌داند و امیدوار است تمام اروپا از الگوی یونان پیروی کند. می‌گوید: «معتقد نیستیم دوستی دو سوی اقیانوس اطلس باید حاصل‌جمع صفر باشد؛ کاملا برعکس، چشم‌انداز ما اتحادی است که قدرت آن از مجموع قدرت اجزایش بیشتر باشد. ماه گذشته، این چشم‌انداز را در توافق جدید و بی‌سابقه میان ایالات متحده، دانمارک و گرینلند در عمل مشاهده کردیم؛ توافقی که قطب شمال را دگرگون و امنیت تمام ناتو را تقویت خواهد کرد».

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

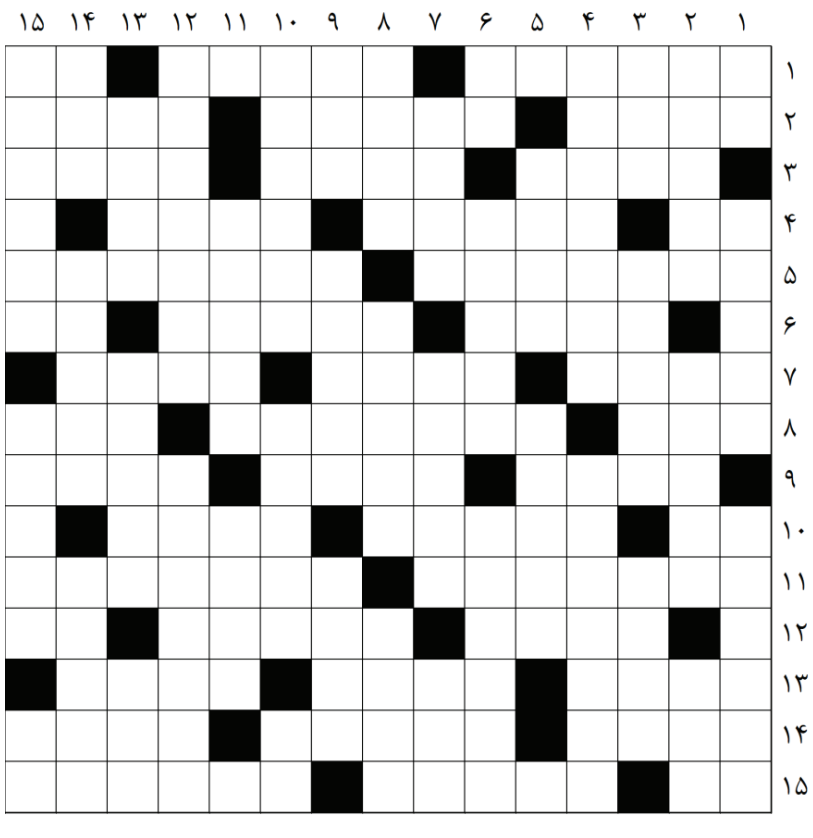
جدول ۵۴۲۹ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- تناسب- بی‌گناه- حرف ربط ۲- از سبزی‌های خوراکی- مجموع کارکنان یک اداره- نوعی میمون ۳- شنونده- واحد شمارش چاه- شعبه‌ای از نژاد سفید ۴- مجموعه‌ای هماهنگ و همخوان- درست‌کردن موارد غلط- اجازه ۵- شهربازی معروف تهران- از پیش‌کسوتان مربیگری کشتی ایران ۶- همسر حضرت ابراهیم(ع)- منطقه‌ای در شمال غربی شبه‌قاره هند- گمان ۷- گردنده- ماهی‌فروش- قاضی ورزشی ۸- کلمه هشدار- بچه شلوغ و ناآرام- از اندام تنفسی بدن ۹- فراخ- دالان ورودی خانه‌های قدیمی- تصور و خیال ۱۰- محل ورود- پالایشگاه گاز هرمزگان- چاقوی آشپزخانه ۱۱- اتاقک دربسته فلزی برای حمل اجناس- عدد پی اولین بار توسط او تعیین شد ۱۲- سالی که مبنای آن گردش زمین به دور خورشید است- معاصر- برهنه ۱۳- سامانه‌ای در سیستم بانکی برای انتقال پول- دربازکن برقی- خبرگزاری ایتالیا ۱۴- تخم ماهی- پیش‌خدمت رستوران- همدم ۱۵- روغن مو- اختلاف عقیده- کبود

عمودی:

۱- یال اسب- پول مشتری در حساب بانکی- بخش‌بندی نماهای یک فیلم‌نامه ۲- آبادی- متنافر- نوعی خط‌کش ۳- کلمه پرسش- از راه‌های انتقال گرما- سرازیری ۴- رمانی معمایی جنایی از فریدا مک فادن، نویسنده آمریکایی- دلجویی و نوازش ۵- خواننده موسیقی پاپ کشورمان با آلبوم عشق الهی- از پیامبران الهی ۶- سبکی در موسیقی پاپ غربی- مراقبت‌کردن- موسیقی‌دان عصر ساسانی را می‌گفتند ۷- بسیار مهربان- نام‌آور- شکاف سر قلم ۸- مجهز به سلاح- پوشاک فصل سرما- صاحب شغل و مقام ۹- عبوس- چراغدان- جان‌ها ۱۰- دیدار و احوالپرسی از خویشاوندان- رشته‌ای در تیراندازی با کمان- دوتا نون ۱۱- منحنی- شناس ۱۲- فیلسوف مشهور ایرانی در قرن یازدهم- فیلمی کمدی درام به کارگردانی استیون اسپیلبرگ و بازی تام هنکس ۱۳- منظم- مدخل- از وسایل ورزش باستانی ۱۴- محله- تئوری- ضربه‌ای در بدمینتون ۱۵- ترسیده- شریک جرم- صحنه نمایش



حل سودوکو ۴۴۲۴

۴	۱	۷	۵	۹	۲	۶	۸	۳
۸	۵	۳	۶	۱	۷	۴	۲	۹
۹	۶	۲	۸	۴	۳	۷	۱	۵
۱	۷	۸	۲	۶	۵	۹	۳	۴
۲	۴	۹	۳	۷	۱	۵	۶	۸
۶	۳	۵	۴	۸	۹	۲	۷	۱
۳	۹	۶	۱	۲	۴	۸	۵	۷
۵	۲	۴	۷	۳	۸	۱	۹	۶
۷	۸	۱	۹	۵	۶	۳	۴	۲

۷	۵	۱	۳	۴	۶	۲	۸	۹
۴	۸	۶	۵	۹	۲	۷	۳	۱
۲	۹	۳	۷	۱	۸	۶	۴	۵
۵	۳	۹	۴	۶	۱	۸	۷	۲
۸	۱	۴	۹	۲	۷	۵	۶	۳
۶	۷	۲	۸	۳	۵	۹	۱	۴
۹	۶	۵	۱	۷	۴	۳	۲	۸
۱	۲	۸	۶	۵	۳	۴	۹	۷
۳	۴	۷	۲	۸	۹	۱	۵	۶

حل جدول ۵۴۲۸

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	س	ف	ی	د	ق	ل	م	■	ل	و	س	ی	و	ن	■
۲	م	ق	ر	و	ض	■	د	ا	و	ر	■	ا	ن	د	ک
۳	ب	ر	■	ج	ا	ل	ی	د	ا	ج	ا	م	پ	ر	ت
۴	ل	ا	ک	ی	■	ا	ر	ت	ش	■	ر	و	ن	م	ا
۵	ی	■	ر	ن	گ	ی	■	ن	ک	ه	ت	■	و	ه	ب
۶	ک	ی	ا	■	ش	ی	م	ا	■	س	و	ا	ر	■	د
۷	■	ا	ر	ز	ن	■	ث	ب	ا	ت	■	ش	ی	و	ا
۸	خ	ف	■	ن	ه	ی	ب	■	چ	ک	ا	پ	■	ا	ر
۹	د	ا	ن	گ	■	س	ت	ا	م	■	ث	ل	ا	ث	■
۱۰	ا	■	ا	ی	م	ن	■	و	ز	ا	ن	■	ب	ق	ا
۱۱	ش	ک	ن	■	ح	ا	ج	ت	■	ب	ا	ف	ت	■	ر
۱۲	ن	م	ا	ب	ر	■	م	ر	ی	د	■	ض	ر	ا	ب
۱۳	ا	پ	■	ی	ز	ل	ه	خ	و	ا	ن	ی	■	م	ع
۱۴	س	ر	م	ا	■	ه	و	ت	ن	■	ف	ل	ا	ن	ی
۱۵	■	س	ل	ح	ش	و	ر	■	س	ا	خ	ت	م	ا	ن

سودوکو سخت ۴۴۲۵

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۷	۹	۸	۶		۵	
			۲	۴		۹		
	۲	۹						
		۵						
۶	۴						۸	۲
						۷		
						۱	۷	
		۸		۳	۵			
	۵		۶	۷	۱	۸		

سودوکو ساده ۴۴۲۵

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۷		۱				۹
			۴	۵	۸	۱	۶	
			۹	۲	۷			
	۵							۳
	۱	۹	۵		۲	۶	۴	
۴							۷	
			۲	۸	۵			
	۴	۵	۷	۳	۹			
۸				۴		۹		